

دکتر باقرپور کاشانی



زنده شدن ذوالقرنین

زنده شدن ذوالقرنین

چرا به این ذوالقرنین می‌گویند؟! در تاریخ آمده که این بنده خدا دو شکاف و شکستگی در سرش به وجود آمد. این عین حدیث هم هست که این جناب ذوالقرنین پیامبر بود؟ پیامبر هم نبود. چه کار می‌کرد؟ مردم را به سمت خدا می‌خواند، مردم را به سمت خوبی‌ها می‌خواند؛ یک آدم باخدایی بود، مردم را ارشاد می‌کرد، مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد.

حالا در خصوص این ذوالقرنین، یک روایتی را مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی در کتاب بیان الفرقان آورده که در دوره تدریس مباحث بیان الفرقان این را می‌خواندم؛ صفحه ۱۰۰۳، بخش رجعت، اواسط صفحه هست:

«ابن کوّاء سؤال کرد ذوالقرنین نبی بود یا سلطان؟ فرمود: نه پیغمبر بود نه سلطان. بنده‌ای صالح بوده در راه خدا و اطاعت او. ضربتی به یک طرف سرش وارد آوردند و بر اثر آن ضربت از دنیا رفت. خدا او را زنده کرد».

از مواردی که مرحوم آقا شیخ مجتبی در ارتباط با شاهد بر رجعت آوردند، این است که جناب ذوالقرنین یک بار زنده شده. وقتی امام زمان علیه السلام تشریف می‌آورند و رجعت اتفاق می‌افتد جمعی زنده می‌شوند، عامه با این مخالفت کردند، جمعی مخالفت کردند، اما این رجعت در زمان خود ذوالقرنین هم اتفاق افتاد. یک دفعه

این را کشتند، ضربتی به سمت راستش وارد کردند، بر اثر این ضربت از دنیا رفت؛
خدا او را زنده کرد.

«دفعهٔ دوم، طرف چپ سرش را زدند مُرد، خدا او را زنده کرد، ذوالقرنین نام نهادند
و در شما مثل ذوالقرنین می باشد».

امام صادق علیه السلام فرمودند که اسم او عبداللّه بن ضحاک بود. در الخصال جلد اول
صفحهٔ ۲۵۵، بحث ذوالقرنین مطرح می شود. این عبارت هم که مرحوم آقا شیخ
مجتبی قزوینی در صفحهٔ ۱۰۰۳ کتاب بیان الفرقان آوردند.

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ